

وقتی تاریکی غلیان می کند

قسمت آخر

پراید سفید حالا بغل به بغل با آن ها پیش می رفت. کمی فاصله گرفت و بیکهو دیدند که راننده طوری فرمان را چرخاند که پراید سفید کوبیده شد به ماشینشان وزن و دخترها چنان جیغ کشیدند که گوش های مرد سوت کشید و تا چند لحظه حبس آمد. او داشت کمر زیر آب است و فقط فلک های چاباب هرامی شنید. پراید سفید حالا با گلگیر لقی و رقرقره به پایشان می آمد. مردی که ریش فلفل نمکی داشت می خندید و مثل خرا از خوشحالی دست می زد. زن داد زد: پس این پیلسا کی می رسن؟» مرد گفت: «دلت خوشه، خودمون باید به کارش بکنیم.» دختر نوجوان روکش صندلی را چنگ زده بود و حالت بگریه به سیدهای رانندگی داشت.

ناید: «بابا تو رو خدا به کار یکن،» پراید سفید دوباره فاصد گرفت. همه حس کردند مثل گاهی است که دوزخیز می کند تا یکبار دیگر شاخ بزند. تارانه در همان را چرخاند. مرد طوری کوبید روی کریم ترمز که پشیمانی زن محکم به شیشه خورد. پراید سفید مایل به جلو ماشین و دیدند که چراغ سمت چپ را همراه خودش کند ببرد. روی خط پاره کشیده شد. به سمت شاه تار یک مسیر آذری چو رفته رد شد و کوبیده شد که باج شباهی که حاشیه مسیر آسفالت بود. لکه ای شبیه بزرده آزمیان شاخه های کاج به هوا رفت و سراسیمه نوی هوا چرخ خورد. ناگاهان و قافوسی تند به سمت زمین حرکت کرد. مرد دنده را جابه جا کرد. گازی زد. شیشه لکه هو می ماند و دو روستا تا دستمال کاغذی داشت. دو روی پشیمانی ای وبا دست تکه داشته بود. مرد داد زد: «افلا این بند اون انصوب رو،» دختر نوجوان داشت زلزلند گریه می کرد. دختر بچه مدام اون را نگاه می کرد و هرگاه مادر زن زد: زن گفت: «ماستیر پلیس بیاد» مرد گفت: برو بابا. خمان این دوتا دیوونه هم اونظیم می مونن پلیس برسه؟» ماشین با خرخر آژاره دهنی حرکت می کرد. نوری که روی آسفالت می ریخت مایل به راست بود. مرد گفت: «شیشه ها رو کش بدین پایین.» بعد نوی آینه به دخترها نگاه کرد. داد زد: «شیشه ها رو بدین پایین کنین.» از دستشون خلاص شدیم.» شیشه های ماشین انداز، چند بند انگشت پایین آمد و خنکای شبانه نوی آتافک ماشین چرخید. مرد نفس عمیق کشید. گفت: «حواستون به من باشه،» مرد دخترها کمی آرام گرفته بود. نوی سینه کشید و مرد نفس عمیق بکشین،» نفسش را با صدا، نوی سینه کشید و بیرون داد. گفت: «بینین،» به چراغ های روشنی رسیدند که دوطرف مسیر، رفیف شده بودند. یکی دوتا مغازه باز بودند. نوی پیاده و رمزی یا باشانه های خمیده اشغال های کوت شده توی تیر چراغ برق رامی کاید. مرد سرعشتی را متوقف شد. مرد ماشین تبدیل به لقی شد و وقتی ماشین متوقف شد، مرد پایین آمد و جلو ماشین رانگاه کرد. چراغ سمت راننده نبود. درست مثل چشمی پنهان شده ای. نوی رفیف و بیکی از مغازه ها و بابا چند بستانسی چرخان زد. زن گفت: «حمیت تو این وضعیت؟ و اقا جلوتر می تونی؟» صدای زن گرفت و زنگار داد.

دختر چه هنوز داشت گریه می کرد. مرد گفت: «امشب از خضر نجات پیدا کردیم، بخورین خاتون بیاد سرچاش.» دختر نوجوان با کراهت یکی از بستنی ها را گرفت. گفت: «سرده.» مرد گفت: «اتفاق تو همین هوا بیشتر می چسبه.» رو به زن گفت: «دستمالو بردار ببینم چی شده.» زن انگار نشنیدید باشد. هیچ واکنشی نشان نداد. دستش را دراز کرد و بستنی روی داشش برداشت. گفت: «یخ می کنیم، ماشین خراب شده.» مرد گفت: «چیزی نیست، فدای سرت.» دختر نوجوان گفت: «بابا، مطمئنی دنیا مون نیومده؟» مرد گفت: «آره.» خیالت تخت. دختر گفت: «خوب فالشون گذاشتی بابایی.» مرد خندید. دخت رفتن فانی با قالی. زن نواز خندیدند. مرد گفت: «همین خوبه، آره. همین خوبه.»

«وبه.»

خبر

روزی ۱۴۰۰ افغانستاني به کشورشان بازگردانده می‌شوند



ابوعطا ابراهیم آمار اعلامی از سوی مرزبانان خراسان رضوی، به طور میانگین روزی حدود ۱۴۰۰ کانتینرانی که به طور عادی وارد و از ایران صادر شده، به کشورشان بازگردانده می شود. شرایط افغانستان و مردمی که با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می کنند، موجب شده است تا اتباع بیشتری از این کشور برای امرار معاش تن به مهاجرت غیرقانونی بدهند و به قصد رسیدن به ایران یا به دنبال فرصتی بگذرانند که می تواند حتی به قیمت جانشان تمام شود.

مرزبانان خراسان رضوی نیز با هوشیاری و اجرای دستورال
سردار مجید شجاع، فرمانده مرزبانی استان، در حراست
از مرزها تمام قد ایستاده‌اند. تاجایی که در سیزده روز
گذشته توانسته‌اند ۱۸ هزار و ۱۱۲ افغانستانی غیرمجاز را
به کشورشان برگردانند.

تا سیزدهم اردیبهشت، ۱۱ هزار و ۳۵۵ نفر از اتباع غیرمجاز براساس اظهارات فرمانده مرزبانی خراسان رضوی، از هفت کشور افغانستان که از سوی مرزبانی و پلیس شناسایی شده بودند، از طریق مرز دوغانرود طرد و تحویل نماینده کشور افغانستان شدند.

سردار مجید شجاع ادامه داد: در چهار روز گذشته نیز در راستای برخورد با حضور غیرقانونی اتباع کشورهای خارجی در خاک جمهوری اسلامی ایران، مرزبانان و پلیس در داخل کشور با شناسایی اتباع غیرمجاز با این افراد برخورد قانونی کردند.

وی افزود: در این راستا مرزبانان هنگ مرزی تایباد طی چهار روز گذشته ۶ هزار و ۵۷۷ نفر از اتباع کشور افغانستان را که در کشور حضور داشتند شناسایی و از طریق مرز دوغانون طرد کردند.

سردار شجاع خاطرنشان کرد: هر یک از اتباع کشورهای خارجی باید از طریق دروازه‌های رسمی و قانونی وارد کشور شوند، در غیر این صورت با آن‌ها با قاطعیت برخورد می‌شود.

طمع بزرگ قربانیان کوچک

بررسی پرونده سرقت‌های مجازی از مال باختگانی که سارقان را دوست دارند و به آن‌ها عشق می‌ورزند



تفاقی نادر مابقی پول، یعنی ۸۰ میلیون
نومان را برگرداندند.

● شایعات خانه خراب کن

حتماً شما هم شنیده‌اید که فردی توانسته به‌جای امتیاز خوبی برساند به مبلغ بالایی بفروشد. از نظر رئیس پلیس فتای خراسان رضوی، وجود چنین شایعاتی یکی از دلایلی است که کودکان و نوجوانان را به سمت اقدامات غیر درست می‌دهد. سرهنگ علی اکبر فتاحی پور با اشاره به اینکه نوجوانان زیادی با رویای پول داشتن در فضای سایبری حضور دارند و سود این حضور به جیب فیشینگرها و کلاهبرداران انواع می‌رود، بیان می‌کند: گاهی نوجوانان برای خریدهای درون‌برنامهای انواع بازی‌ها به سایت‌هایی هدایت می‌شوند و بلافاصله اطلاعات آن‌ها را سوخت کرده و با در اختیار گرفتن پست الکترونیکشان کارهایی را که کلی هزینه در قبال آن کرده‌اند، سوخت می‌کنند.

● چارتم ۶۶ درصدی

رئیس پلیس فتای خراسان رضوی با هشدار درباره نیت های شیطان‌ی پسرخ‌ای خانواده های رایانه‌ای که ذهن و روان کودکان را تسخیر می‌کند، می‌گوید: در این مواقع باید خانواده نظارت کافی داشته باشد و والدین باید بدانند که اگر کودک سه ساعت بیشتر تلویزیون می‌بیند یا بازی رایانه‌ای انجام می‌دهد، در آستانه اعتیاد به فضای سایبری است. از سویی خانواده‌ها باید به مباحث فرهنگی نهفته در پس بازی‌ها نیز توجه کنند که در این زمینه بنیاد ملی بازی‌های رایانه‌ای، سایت «اسرا» (سازمان طبقه‌بندی بازی‌های رایانه‌ای) را آماده کرده و خانواده‌ها می‌توانند با مراجعه به این سایت، بازی‌های مناسب را شناسایی کنند.

وی با اشاره به اینکه هم اکنون ۶۴ درصد جرائم سایبری خراسان رضوی مربوط به جرائم مالی، ۱۸ درصد اخلاقی و ۱۸ درصد مربوط به سایر جرائم است، بیان می کند: «موزو اگر قانون کیفری رایت را درگیر بازی های رایانه ای رعایت کنیم و تابع این نباشیم که حتما یک بازی را رایگان به دست بیاوریم هیچ هزینه ای نکنیم، برآمده نویس ایرانی هم رقابت می کند تا کار با کیفیتی تولید کند، این یک چرخه است که ما زمانی که رعایت نشود به همین جا ختم می شود.

مشخص شد که او کابینت ساز است و وجوه گم شده متعلق به یکی از مشتری هایش بوده که برای خرید مواد اولیه در اختیارش بوده است.

اما پدر روایت جالبی از این ماجرا تعریف می‌کند: «بعد از اینکه شکایت کردیم پلیس توانست قسمت زیادی از پول را به ما برگرداند. پسرم چون خودش هم ترسیده بود موضوع را برای ما بازگو کرد. پسرم فکر کرده بود که مبلغ پرداختی ۲۷ هزار تومان است و بعد از برآوردش متوجه شده که ۲۷۰ هزار تومان است. پسرمان شکایت کرد اما او را بلافاصله با گرداننده سایت ارتباط می‌گیرد و می‌گویند که اشتباه شده و ساعت ۵ عصر مبلغ را برمی‌گردانند. اما وقتی ساعت ۵ و ۱۰ دوباره وارد گردی می‌شود، ۵۰۰ میلیون تومان برمی‌گردد، بلکه ۵۰۰ میلیون تومان دیگر هم برداشت می‌شود. من قبل از این ماجرا، اصلا اسم این بازی را هم نشنیده بودم و حتی بلد نیستم چطور با همراه بانک و این حرف‌ها کار کنم. پسرم اولین بار با گوشی خودش بازی شده بود و از آنجکه که فهمیدم از حسابم برداشت شد»

است. چون تازه از مسافرت آمده بودیم، خودم فکر کردم در سفر این اتفاق افتاده است اما مأموران پلیس فهمیدند که کارهای پسر خودم بوده است. راستش قبل از اینکه مدارس در زمان کرونا مجازی شود، گوشی ساده‌ای در دست پسرم بود، اما با گوشی شدن مدارس، مجبور شدیم گوشی هوشمند را اینترنت برایش تهیه کنیم. هنوزم به گاهی برخی کانال‌های هشام گمشده پسر بزرگ‌تر می‌شود و از طرفی نمی‌دانم چه کنیم. هرچند بعد از این ماجرا دیگر مطمئن می‌سرغام گوشی‌اش می‌رود، ولی ما می‌دانیم که نمی‌شود گوشی‌اش را گرفت. اتفاقاتی پسر بزرگ‌ترم که الان هفده‌ساله است و قبلا خیلی سرش توی گوشی بود و بازی می‌کرد، الان کمتر بازی می‌کند. فکر می‌کنم وقتی بزرگ‌تر شود خودش بخوابد، گوشی‌اش شود.

خوشبختانه با ورود بموقع پلیس فتا به پرونده، مشخص شد که این نوجوان چهارده ساله اقدام به خرید کارت اعتباری فروشی در سایت‌های واسط کرده است. پلیس فتا با بررسی این پرونده به منظور کلاهبرداری طراحی شده‌اند و معمولاً پس از دریافت پول پاسخگو نیستند. در این پرونده اما مشخص شد که این پسر به‌طور اتفاقی از سایت خرید حقیقی خرید کرده است و پس از نامه‌نگاری کردن با سایت گفت و چهار میلیون هزینه را برداشت کردند و در

دستبرد می‌زند و هر دفعه مبلغ کمی برمی‌دارد تا سطح بازی‌اش را ارتقا دهد. وقتی پیرمرد با کسری ۲۵ میلیون تومانی از حسابش روبه‌رو می‌شود، بلافاصله به پلیس فتا می‌رود و کارشناسان به او می‌گویند که در بازی پایچی این مقدار پول را خرج کرده است. اما پیرمرد نه‌تنها تابه‌حال اسم این بازی را نشنیده بود، بلکه حتی نمی‌دانست که چگونه به‌طور مجازی خرید کند.

● سرقت پول شوهرخواهر از حساب پدر!

حساب بانکی، در مدتی طولانی به تنایب بود. حساب بانکی، در مدتی طولانی به تنایب بود. حساب بانکی، در مدتی طولانی به تنایب بود.

● یک خرید شوم و شیرین!

ما چرا از جایی شروع شد که «مرد عنکبوتی» با بست به در خانه‌شان رسیده بود. در حالی که حیران از چنین شفا‌رشی، در خانه می‌رفت و می‌آمد و می‌نگاه می‌کردند که پسرک دوازده ساله‌شان خوشحال از رسیدن بسته پستی‌اش بلافاصله آن را باز کرد و عروسک خیالی محبوبش را برد. اما این ابتدای داستان بود و پسر اعلام کرد که عروسک‌های (اکشن فیگور) شخصیت‌های کارتونی معروف دیگری هم در راه هستند. کنجکاو و دست از سر پدر نرزمی داشت و هنگامی که از پسرک پرسیدند پول خرید را از کجا آورده، فهمیدند دسترسی فرزندشان به کارت بانکی و گوشی همراه پدر نرفته‌اند. خوب نبود که حالا موجب شده است آن‌ها ۵ میلیون تومان برای خرید این عروسک‌ها از دست بدهند. با تشکیل پرنده شکارهای در داسرا و ارسال آن به پلیس فتا، حسب دستور قضایی کارشناسان در نامه‌نگاری با شرکت فروشنده عروسک‌ها، توانستند ۴۰۰ درصد مبلغ از دست‌رفته را پس بگیرند و پدر عروسک به دستشان رسیده بود.

● نمی‌دانم چه باید بکنم

امسال یکی از مهم‌ترین پرونده‌های برداشت غیرمجاز از حساب پدر، مربوط به کسر وجه مبلغ ۸۵ میلیون تومان از حساب یک شهروند بود. باشکایت این فرد

محمد حواد ابو عطا

کزارش

پسر کوچک اندام، روشی عجیب برای رسیدن به پول یافته بود. ساعت شب که مادرش خسته و کوفته به خانه می آمد و پس از چند ساعت کار در خانه، تقریباً از خستگی از پا در می آمد و می خوابید، پسرک تازه، کارش را شروع می کرد. مادر زمانی متوجه غیب شدن ۵۹ میلیون تومان پول رهن خانه اش شد که کار از کار گذشته بود. البته این تنها یک مورد از پرونده هایی است که به گمانی میبایغ زیادی از حساب شهروندان برداشت می شود و کودکان نقش فعالی در این موضوع دارند. بالا اگر شما هم گوشی هوشمند دست بویختگان داده ای، این پرونده را داغرت بخوانید و بدانید چه اتفاق هایی بظرتان می افتد.

● سرقت از مادر

پدر پیرش را برای عمل جراحی به یکی از بیمارستان‌های مشهد می‌برد. پس از انجام مراحل پذیرش، هنگام پرداخت هزینه چند صد میلیون، می‌فهمد که حسابش خالی است و هیچ اثر از پولی که در حسابش نگه داشته بود، نیست. مرد بلافاصله به پلیس فتا می‌رود و از سارق احتمالی که حسابش را خالی کرده است شکایت می‌کند. اما بررسی‌های پلیس نشان می‌دهد که پای هیچ سارقی در میان نیست و پدر شانزده ساله‌اش که در دیجیتال واینری (قمار آنلاین) ثبت نام کرده و معتاد به قمار شده است، هر دفعه ۶ میلیون تومان به حساب پدرش خارج کرده و به امید اینکه با آخره پردن می‌شود پول‌های کج‌بازی را برمی‌گرداند. در مدت ۲۱ روز ۴۴ میلیون تومان از حساب پدرش برداشته و به حساب گردانندگان سایت دیجیتال واینری واریز کرده بود. ساینی که طوری طراحی شده بود که هیچ یک از اعضایش نمی‌توانستند در روند بازی برنده شوند.

بابا در کازینوها پول‌ها را قمار کند. اما ● بابا بزرگ پابجی‌باز!

در این پرونده پسر دوازده ساله در پی کشمکش خانوادگی و جدایی همیشگی پدر و مادرش، همواره پدر بزرگش بود. این نوجوان که بهمان پدر بزرگش کمک می کرد که چطور پول هایش را نقد کند و به نوعی کارت های بانکی پدر بزرگش را مدیریت می کرد. در هنگام تنهایی به گوشه ای پناه می برد و به نوجوان بسیاری از همکس و سالانش که برنامه ای از اوقات بیکاری شان ندارند. با نصب بازی پایچی به این بازی تقریباً معنادار شده بود. بازی رایانه ای شده است.

گم شدن خرج عمل پدربزرگ

که می‌تواند در آینده آگانت صفحه شخصی‌اش را به قیمت خوبی بفروشد به حساب بانکی پدر بزرگش بدون اطلاعش

[illegible]